قاتل دختر مورد علاقه در آستانه محاکمه



پایان تحقیقات جنایی

با تکمیل تحقیقات، جسد رؤیا برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی منتقل شد و متهم پس از بازسازی صحنه قتل، با قرار قانونی راهی زندان شد.
در نهایت، بازپرس ویژه قتل پس از تکمیل تحقیقات، برای کامبیز کیفرخواست صادر کرد و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. به این ترتیب، متهم به‌زودی در برابر قضات دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع خواهد کرد.

■ آرمین بینا

پسر جوانی که در جریان درگیری با دختر مورد علاقه‌اش او را با ضربات شیشه مشروب به قتل رساند و پس از آن با بریدن رگ دستش و آتش زدن خانه قصد خودکشی داشت، پس از صدور کیفرخواست به‌زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

شامگاه جمعه هجدهم اردیبهشت‌ماه امسال، ساکنان ساختمانی مسکونی در یکی از خیابان‌های شرق تهران با شنیدن فریادهای دلخراش زن جوانی از طبقه دوم، سراسیمه از خانه‌هایشان خارج شدند. هنوز دقایقی از شنیده شدن فریادها نگذشته بود که صدای زن قطع شد، اما دود غلیظی که از همان آپارتمان بیرون می‌آمد، نگرانی همسایه‌ها را بیشتر کرد.
چند نفر از ساکنان ساختمان بلافاصله موضوع را به پلیس اطلاع دادند و برای کمک وارد آپارتمان شدند. بخشی از آشپزخانه دچار آتش‌سوزی شده بود که همسایه‌ها موفق شدند شعله‌ها را خاموش و شیر گاز را ببندند. اما در ادامه با صحنه هولناکی روبه‌رو شدند؛ در قسمتی از اتاق نشیمن جسد دختر جوانی افتاده بود و در گوشه‌ای دیگر پسر جوان صاحبخانه در حالی که به‌شدت خونریزی داشت، پیدا شد.

دختر جوان کشته شد

با اعلام این حادثه، مأموران کلانتری ۱۴۴ تهرانپارس خود را به محل رساندند. مأموران در بررسی اولیه با جسد دختر جوانی به نام رویا روبه‌رو شدند که شیشه‌های شکسته مشروب در اطرافش دیده می‌شد. کمی آن‌طرف‌تر نیز پسر ۲۵ ساله صاحبخانه که رگ دستش را بریده بود، پیدا شد و برای نجات جانش به بیمارستان انتقال یافت. دقایقی بعد، با حضور قاضی سالار صنعتگر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی نیز در محل حاضر شدند و تحقیقات درباره این حادثه را آغاز کردند.
بررسی‌های میدانی و اظهارات همسایه‌ها نشان داد آپارتمان محل حادثه متعلق به جوانی ۲۵ ساله به نام کامبیز است که به صورت مجردی زندگی می‌کرد. همسایه‌ها در تحقیقات گفتند مقتول دختر مورد علاقه کامبیز بوده و هر از گاهی به خانه او رفت‌وآمد داشته است.

پایان تلخ یک رابطه

در ادامه تحقیقات مشخص شد رؤیا و کامبیز چند ماه قبل با یکدیگر آشنا شده و رابطه دوستانه‌ای میان آنها شکل گرفته بود، اما زمانی که کامبیز با دختری از بستگانش نامزد کرد، تصمیم گرفت ارتباطش را با رویا قطع کند؛ تصمیمی که به گفته خودش با مخالفت دختر جوان روبه‌رو شد و سرانجام به درگیری مرگبار انجامید.
کامبیز پس از بهبودی نسبی در بیمارستان، به قتل رؤیا اعتراف کرد و درباره رابطه‌اش با مقتول به بازپرس گفت: «چند ماه قبل در خیابان با رؤیا آشنا شدم. مدتی با هم ارتباط تلفنی و پیامکی داشتیم و بعد ارتباطمان بیشتر شد. با هم رفت‌وآمد می‌کردیم و گاهی به رستوران می‌رفتیم یا او به خانه من می‌آمد. من به او قول ازدواج نداده بودم و قرارمان فقط یک رابطه دوستانه بود.» او ادامه داد: «مدتی بعد خانواده‌ام از من خواستند ازدواج کنم و دختر یکی از بستگان را به من معرفی کردند. همراه خانواده‌ام برای خواستگاری به شهرستان رفتیم و نامزد کردیم. وقتی به تهران برگشتم، موضوع را به رؤیا گفتم و از او خواستم رابطه‌مان را قطع کنیم.»

مشاجره‌ای که به قتل ختم شد

متهم درباره روز حادثه گفت: «رؤیا وقتی فهمید نامزد کرده‌ام، با من درگیر شد و گفت باید نامزدی‌ام را به هم بزنم و با او ازدواج کنم. هرچه برایش توضیح دادم که قرار ما فقط دوستی بوده، قبول نکرد.»
کامبیز در ادامه مدعی شد: «از او خواسته بودم دیگر به خانه‌ام نیاید، اما روز حادثه دوباره به خانه آمد. سر همین موضوع با هم مشاجره کردیم، ولی بعد آرام شدیم. شب مشروب خوردیم و دوباره بین ما درگیری پیش آمد. رؤیا با شیشه مشروب ضربه‌ای به سرم زد. عصبانی شدم، شیشه را از او گرفتم و با همان چند ضربه به سرش زدم.»
متهم درباره اقدام پس از قتل نیز گفت: «وقتی به خودم آمدم، دیدم رؤیا فوت کرده است. رگ دستم را زدم، شیر گاز را باز کردم و خانه را آتش زدم تا به زندگی‌ام پایان بدهم، اما همسایه‌ها متوجه شدند و آتش را خاموش کردند و من هم به بیمارستان منتقل شدم.»

دزدان طلایی به دام پلیس تهران افتادند

دو مجرم که با همدستی یکدیگر اقدام به سرقت ۵۰۰ گرم طلای دست‌دوم از یک طلافروشی در محدوده بازار تهران کرده‌بودند، در عملیات کارآگاهان پلیس آگاهی شناسایی و دستگیر شدند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ کرم سلطانی، فرمانده پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ، گفت: پس از اعلام سرقت در ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ از سوی کلانتری ۱۱۳ بازار، پرونده برای رسیدگی تخصصی در اختیار کارآگاهان قرار گرفت. کارآگاهان با حضور در محل سرقت و بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته، موفق به شناسایی چهره افراد مرتبط با این سرقت شدند.
در ادامه، یکی از متهمان در محدوده شوش و دروازه غار شناسایی و با دستور قضایی در مخفیگاهش در خیابان هرندی دستگیر شد. در بازرسی از مخفیگاه این متهم، ۶۰ گرم از طلای مسروقه متعلق به شاکی کشف و ضبط شد. متهم در جریان تحقیقات به ارتکاب سرقت با همکاری یکی از افراد سابقه‌دار اعتراف کرد و با ادامه تحقیقات، همدست او نیز شناسایی و دستگیر شد.
به گفته پلیس، تحقیقات برای شناسایی سایر اموال مسروقه و بررسی ابعاد دیگر این پرونده ادامه دارد و هر دو متهم برای سیر مراحل قانونی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفته‌اند.

مرد تیرانداز بازداشت شد

عامل یک درگیری خشونت‌آمیز خانوادگی در تهران که در جریان آن دو نفر مجروح شده بودند، توسط مأموران پایگاه چهارم پلیس اطلاعات تهران دستگیر شد.

به گزارش «جوان»، مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران اعلام کرد: در پی گزارش شنیده شدن صدای شلیک گلوله و فریادهای ناشی از درگیری در یکی از محله‌های تهران، تیم‌های عملیاتی پلیس به محل اعزام شدند.
بررسی‌ها نشان داد متهم در جریان یک اختلاف خانوادگی با استفاده از سلاح گرم و سرد اقدام به ایجاد درگیری و رعب و وحشت کرده و پس از مجروح شدن دو نفر از محل فرار کرده است. پس از متواری شدن متهم، مأموران پایگاه چهارم پلیس اطلاعات با اقدامات فنی و اطلاعاتی موفق به شناسایی مخفیگاه وی شدند و در عملیاتی غافلگیرانه او را دستگیر کردند. در بازرسی از خودرو و مخفیگاه متهم، یک قبضه کلت کمری، ۱۰ تیر فشنگ جنگی و یک قبضه قمه کشف و ضبط شد. متهم برای ادامه رسیدگی و سیر مراحل قانونی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت.

اعلام گذشت از برادر خطاکار



غلامرضا مسکنی

دو خواهر که پدرشان را به دست برادرشان از دست داده‌بودند، با حضور در دادسرای امور جنایی تهران از قصاص او گذشتند. متهم به‌زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک محاکمه می‌شود.

اوایل آذرماه سال گذشته، مأموران پلیس تهران در تماس با قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی، از قتل مردی ۵۵ ساله در خانه‌اش خبر دادند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد مقتول با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده و عامل جنایت نیز چاقو را با خود برده‌است.
با اعلام این خبر، بازپرس جنایی به همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل حادثه در یکی از خیابان‌های غرب تهران شدند. در محل، جسد خون‌آلود مرد میانسال در حالی پیدا شد که یک قندان خونی نیز در خانه افتاده بود و بررسی‌ها نشان داد قاتل ابتدا با قندان ضربه‌ای به سر قربانی زده است.

ادعای درگیری با مرد غریبه

پسر مقتول که موضوع را به پلیس اطلاع داده بود، مدعی شد هنگام بازگشت به خانه، پدرش را در گیر مردی ناشناس دیده و متهم پس از مجروح کردن پدرش، به دست او نیز ضربه زده و گریخته‌است. او گفت بلافاصله با پلیس و اورژانس تماس گرفته، اما پدرش پیش از رسیدن امدادگران جان باخته‌است.
با این حال، تحقیقات کارآگاهان با این ادعا همخوانی نداشت. سرایدار ساختمان گفت هنگام حادثه کسی را در حال ورود یا خروج ندیده و دوربین‌های مداربسته نیز حضور هیچ فرد غریبه‌ای را در ساختمان تأیید نکردند.
از سوی دیگر، آثار جراحت روی دست پسر مقتول و پیدا شدن لباس‌های شسته‌شده او، فرضیه دست داشتن وی در قتل را قوت بخشید. در ادامه، کامیار بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت.

اعتراف پس از چند روز

متهم سرانجام پس از چند روز لب به اعتراف گشود و گفت پس از بازگشت از شورای حل اختلاف، بر سر موضوع بیکاری‌اش با پدرش درگیر شده است. به گفته او، مشاجره بالا گرفت و ابتدا میان آن دو درگیری لفظی و سپس درگیری فیزیکی رخ داد.
متهم در توضیح ماجرا گفت: «من همراه پدرم زندگی می‌کردم. دو خواهرم هم حدود دو سال قبل، پس از فوت مادرم، خانه‌ای در بالای شهر و نزدیک محل کارشان اجاره کردند و با یکدیگر زندگی می‌کنند. پدرم راننده بود و کمتر به خانه می‌آمد و هر وقت کاری داشت یا می‌خواست حمام کند، به خانه سر می‌زد.»

بیکار شدم

متهم ادامه داد: «من با خودروی عمه‌ام کار می‌کردم، اما به دلیل اینکه جریمه‌های زیادی برایم ثبت می‌شد، او خودرویش را از من گرفت و من بیکار شدم. از آن زمان پدرم همیشه به خاطر بیکاری‌ام سرزنشم می‌کرد و می‌گفت چرا بیکار هستم و تمام روز در خانه می‌مانم. روز حادثه، برای پیگیری مشکل ملکی پدرم به شورای حل اختلاف رفته بودم. وقتی به خانه برگشتم، پدرم آنجا بود و داشت ظرف می‌شست. او دوباره موضوع بیکاری‌ام را پیش کشید و با من مشاجره کرد. از نصیحت‌هایش خسته شده بودم و به او گفتم حوصله ندارم و از او خواستم با من صحبت نکند. پدرم کوهنورد بود و هر وقت به کوه می‌رفت، سنگ‌های تزئینی با خود به خانه می‌آورد. آن روز یکی از همان سنگ‌ها را برداشت و به طرف من پرتاب کرد. من هم سنگی به سمت او پرتاب کردم. بعد چاقویی را که در دست داشت، به طرف من گرفت و گفت: «بیا من را بکش و راحتم کن.»
سعی کردم چاقو را از دستش بگیرم، اما دستم زخمی شد. در آن لحظه عصبانی شدم و با همان چاقو چند ضربه به پدرم زدم.»
متهم پس از اعتراف بازداشت و روانه زندان شد.

گذشت ۲ خواهر از قصاص

در حالی که تحقیقات پرونده برای تکمیل مراحل قضایی ادامه داشت، دو خواهر مقتول روز گذشته با حضور در دادسرای امور جنایی تهران، اعلام کردند برادرشان را بخشیده‌اند.
یکی از خواهران گفت: «ما داغدار پدرمان هستیم و نمی‌خواهیم با اجرای قصاص، دوباره داغدار برادرمان شویم.»
با اعلام رضایت اولیای‌دم، متهم به‌زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد.

یادداشت

سرمایه میدان نباید فرسوده شود



حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

۲۰۰ شب از حضور مردم در میدان‌ها و فضاهای عمومی شهرها و روستاهای کشور گذشته است؛ حضوری که در شرایط جنگی شکل گرفت و به مرور از یک واکنش مقطعی فراتر رفت و به جلوه‌ای از همبستگی اجتماعی و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت کشور تبدیل شد. کشوری که دو جنگ را پشت سر گذاشته و هزینه‌های سنگینی برای دفاع از امنیت پرداخته است، بیش از هر زمان دیگری به سرمایه‌ای نیاز دارد که هیچ سامانه‌ای به تنهایی قادر به تولید آن نیست: اعتماد و همراهی مردم.
در جریان این جنگ‌ها، رهبر شهید، فرماندهان نظامی، دانشمندان، مدافعان امنیت و شهروندان بسیاری جان خود را از دست دادند و خانواده‌های زیادی داغدار شدند. شهادت دانش‌آموزان دختر در میناب و دیگر قربانیان این حوادث، بخش‌هایی از خسارت‌های انسانی این دوره است که جبران آن ممکن نیست. در چنین شرایطی، استمرار حضور مردم در کنار یکدیگر را باید بخشی از ظرفیت اجتماعی کشور برای حفظ آرامش و امنیت دانست.
امنیت پایدار صرفاً با حضور نیروهای انتظامی و امنیتی در خیابان‌ها ساخته نمی‌شود. امنیت زمانی عمق پیدا می‌کند که شهروندان نیز خود را بخشی از آن بدانند. میدان‌های شهر، در این معنا، فقط محل تجمع نیستند؛ می‌توانند فضایی برای بازسازی اعتماد، کاهش احساس تنهایی و تقویت ارتباط میان مردم باشند.
البته تفاوت دیدگاه‌ها و سلیقه‌ها در جامعه طبیعی است و انسجام ملی به معنای یکسان بودن همه نگاه‌ها نیست. آنچه اهمیت دارد، یافتن نقاط مشترکی مانند تمامیت ارضی، امنیت، استقلال و آینده کشور و حفظ امکان گفت‌وگو و همدلی حول این منافع مشترک است.
در این میان، استمرار حضور مردم یک پیام مهم نیز دارد: جامعه در سخت‌ترین شرایط می‌تواند ظرفیت ایستادگی و همبستگی خود را حفظ کند. مردمی که فشار اقتصادی، گرانی، مشکلات معیشتی و دیگر دشواری‌ها را تحمل می‌کنند، سرمایه اجتماعی ارزشمندی هستند و حفظ این سرمایه باید به یک اولویت تبدیل شود.
دقیقاً از همین نقطه است که ضرورت مراقبت از امنیت اجتماعی آشکار می‌شود. اگر از یک سو دشمن خارجی تلاش می‌کند امنیت کشور را هدف قرار دهد، از سوی دیگر بی‌انضباطی اقتصادی، احتکار، گران‌فروشی، تخلف و بی‌پاسخ ماندن مطالبات مردم می‌تواند شکاف‌هایی در اعتماد عمومی ایجاد کند. امنیت فقط با مقابله با تهدید بیرونی حفظ نمی‌شود؛ با اجرای قانون، برخورد با متخلفان و پاسخ‌گویی روشن به پرسش‌های افکار عمومی نیز تقویت می‌شود.
مردمی که در ۲۰۰ شب در میدان مانده‌اند، صرفاً تماشاگر حوادث نیستند؛ بخشی از ظرفیت امنیت کشورند. این حضور را باید جدی گرفت و از آن صیانت کرد. هر اقدامی که اعتماد عمومی را تقویت کند، در حقیقت به تولید امنیت کمک کرده و هر رفتاری که احساس بی‌عدالتی و بی‌پاسخی ایجاد کند، می‌تواند این سرمایه را فرسوده کند.
امروز دفاع از امنیت فقط دفاع از مرزها نیست؛ دفاع از اعتماد مردم، انسجام اجتماعی و احساس تعلق آنان به آینده کشور نیز بخشی از امنیت ملی است. دویست شب حضور مردم می‌تواند یادآور همین واقعیت باشد که امنیت پایدار، در نهایت، بدون مردم ساخته نمی‌شود.

دستگیری گردنبندقاپ سابقه‌دار در تهران

یک سارق سابقه‌دار که با حمله و اعمال خشونت اقدام به سرقت گردنبند طلا از بانوان در معابر تهران می‌کرد، با تلاش کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی شناسایی و دستگیر شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ کارآگاه امین‌الله بیرانوند، فرمانده پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ، در تشریح این پرونده گفت: تحقیقات درباره این سارق پس از وقوع یک فقره گردنبندقاپی در محدوده گلبرگ آغاز شد و بررسی دوربین‌های مداربسته نشان داد متهم با استفاده از یک پراید مشکی صندوق‌دار و با همراهی فردی دیگر، قربانیان را شناسایی و پس از حمله، گردنبند آنها را سرقت می‌کرد. بررسی تصاویر چند سرقت مشابه نشان داد این جرائم به صورت سریالی و عمدتاً علیه بانوان مسن انجام شده‌است. کارآگاهان با بررسی پلاک خودروی مورد استفاده در سرقت‌ها، هویت یکی از سارقان سابقه‌دار را شناسایی کردند.
در ادامه مشخص شد متهم پس از آخرین سرقت به سمت استان‌های شمالی رفته است. با ثبت مشخصات خودرو و همکاری پلیس راه آمل، متهم در پنجم شهریور ۱۴۰۵ هنگام بازگشت از بابل در جاده آمل شناسایی و دستگیر و سپس به تهران منتقل شد.
متهم ابتدا منکر اتهامات بود، اما پس از مواجهه با مستندات پلیس به ۱۰ فقره گردنبندقاپی از بانوان مسن اعتراف کرد. تاکنون هشت نفر از مالباختگان در شرق تهران و شهرری شناسایی شده‌اند و تحقیقات برای شناسایی سایر قربانیان و کشف ابعاد دیگر پرونده ادامه دارد.

دسته‌گل ۶۵۰ میلیونی برای آزادی یک مادر

جشن گلریزان آزادی زندانیان جرائم غیرعمد در فرمانداری پردیس، این‌بار با یک اتفاق متفاوت همراه شد؛ دسته‌گلی که برای آزادی یک زندانی به مزایده گذاشته شد و در نهایت یک خیر نیک‌اندیش آن را به قیمت ۶۵۰میلیون تومان خرید تا یک مادر پس از هفت سال، فرصت بازگشت به خانه را پیدا کند.

جشن گلریزان آزادی زندانیان جرائم غیرعمد در فرمانداری پردیس با حضور جمعی از خیرین، صنعتگران و مسئولان برگزار شد؛ جایی که موضوع آزادی زندانیان جرائم غیرعمد، تنها یک مسئله قضایی نبود و ابعاد انسانی و اجتماعی آن مورد توجه قرار گرفت. دادستان پردیس در ابتدای این جلسه با اشاره به اهمیت این موضوع گفت: «هدف از برگزاری این جلسه، پرداختن به موضوعی فراتر از امور قضایی و با ابعاد عمیق انسانی، اجتماعی و امنیتی است.»
علیپور با تأکید بر ضرورت حمایت از زندانیان جرائم غیرعمد، کمک به این افراد را یک سرمایه‌گذاری اجتماعی دانست و تأکید کرد که با بازگشت یک فرد اصلاح‌شده به جامعه، زمینه پیشگیری از بروز مجدد جرم نیز فراهم می‌شود. در ادامه مراسم، خیرین و مسئولان شهر دست به دست هم دادند و در مجموع ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان برای آزادی زندانیان جرائم غیرعمد گلریزان کردند؛ مبلغی که زمینه آزادی ۵۰ زندانی و بازگشت آنها به خانه و خانواده را فراهم کرد، اما در حاشیه این مراسم، ماجرای یک دسته‌گل توجه حاضران را به خود جلب کرد. دسته‌گل اهدایی یکی از خیرین برای آزادی یک زندانی به مزایده گذاشته شد و یک خیر نیک‌اندیش با خرید آن به مبلغ ۶۵۰ میلیون تومان، هزینه آزادی یک مادر زندانی را تأمین کرد. این مادر که هفت سال از زندگی خود را در زندان سپری کرده بود، با پرداخت بدهی و تأمین مبلغ مورد نیاز برای آزادی، در مسیر بازگشت به خانه قرار گرفت.
این خیر تأکید کرد؛ پس از آزادی این مادر هزینه تحصیل و ضروریات هفت فرزند او را هم تأمین می‌کند. عباس کشانی، مدیر ستاد دیه استان تهران در این باره گفت: با امضای تفاهم‌نامه همکاری میان ستاد دیه استان تهران و انجمن حمایت زندانیان شهرستان پردیس، مسیر همکاری مشترک برای آزادی زندانیان جرائم غیرعمد این شهرستان هموار شد. این تفاهم‌نامه با حضور حجت‌الاسلام سیدحسین حسینی‌تبار، امام جمعه و مدیرعامل انجمن حمایت زندانیان شهرستان پردیس، در محل ستاد دیه استان تهران به امضا رسید.

مفقودی
برگ سبز سواری سمند LX مدل ۹۸ به شماره پلاک ۵۸۶ن ۵۶ - ایران ۱۶ و شماره موتور ۱۴۷H۰۴۸۳۸۵۴ و شاسی NAACJ1JE1KF۵۸۴۳۳۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
قم

مفقودی
اصل سند مالکیت منزل مسکونی به نام محمدعلی قنبری بشماره پلاک ثبتی ۱۲ فرعی از ۳۱۰۱ اصلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
گیلان

مفقودی
کلیه اسناد (برگ سبز، سند کمپانی و کارت و...) سواری ام وی ام X۲۲ مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ۷۷۹ ه ۲۸ - ایران ۱۶ و شماره موتور MVMD۴G۱۵BYM۰۰۲۳۲۸ و شاسی NAAFBAAS۴M۱۰۰۲۶۲۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
قم

مفقودی
کارت شناسایی خودروی سواری تیبا تیپ ۲۳۱ بنزینی ـ مدل ۱۳۹۰، رنگ نقره ای متالیک شماره پلاک ۱۵۱ج۱۴۳ ایران ۵۳، شماره موتور ۸۰۲۵۸۰۸ شماره شاسی ۵۸۱۰۰۹۰۰۲۳۷۹۸ به نام سید ماشالله یحیی زاده فیروز آبادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.
گیلان

مفقودی
برگ سبز (شناسنامه مالکیت خودرو) و سند کمپانی خودرو پراید سواری صبا GTX بنزینی ـ مدل ۱۳۷۹، رنگ سبز یشمی روغنی شماره پلاک ۶۹۶ص۱۱ ایران ۴۶، شماره موتور ۱۹۳۸۸۴ شماره شاسی ۱۴۱۲۲۷۹۶۶۷۵۳۷ به نام اکبر وطن دوست حسن آبادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.
گیلان

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸